



گفت و گوی تمدن ها و دموکراسی دیجیتال؛ افقی تازه در

جامعه شبکه‌ای *

دکترهادی خانیکی

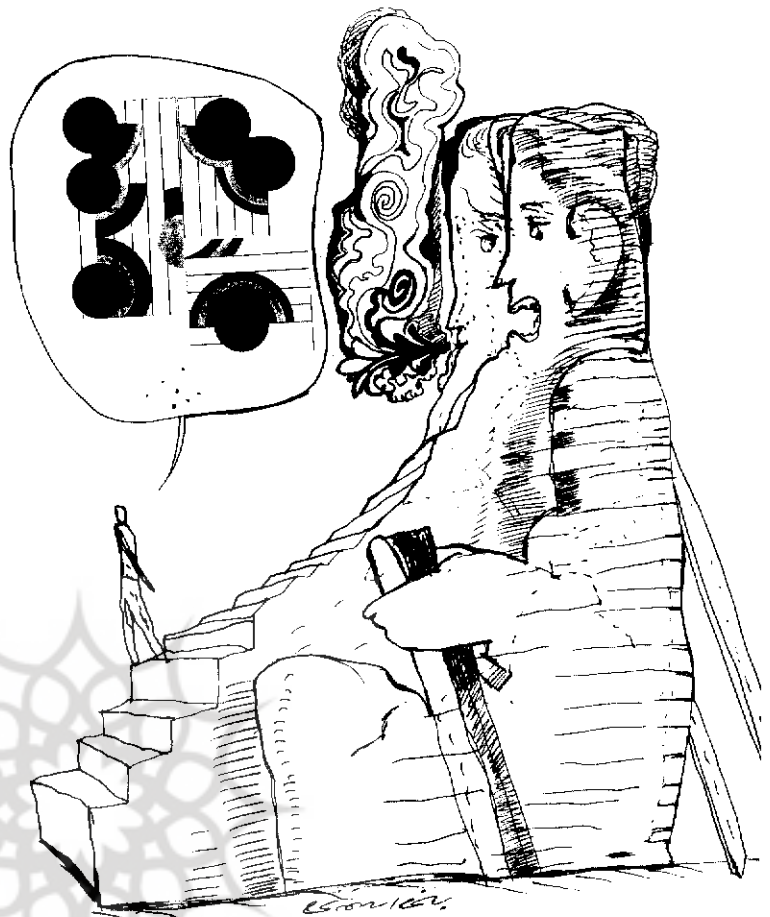
اقتضای جان چو این دل آگهی است
هر که آگه تر بود جاننش قوی است

«مولوی»

مقدمه:

مطالعه زمینه‌های پیدایش «شبکه‌های جامعه‌ای»، این امکان را فراهم می‌سازد که چگونگی تعامل عمیق و رواج وسیع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در درون جامعه‌ها و میان جامعه‌ها کشف شود، اهم از آن که این جامعه‌ها جغرافیایی و یا دارای گرایش‌ها و منافع مشترک باشند. در حقیقت می‌توان استعاره «شبکه» را که زیربنای فناوری‌های «عصر اطلاعات» را تشکیل می‌دهد بسط داد تا همه سطوح زندگی اجتماعی و فرهنگی را در برگیرد و امکان بررسی ویژگی‌هایی را که قوام‌دهنده شبکه‌های اجتماعی هستند فراهم کند. ویژگی‌هایی مانند گفت‌وگو، همبستگی، دیگرپذیری، تفاهم، تعامل و اعتماد از این جمله‌اند که می‌توانند نسبت به میزان کمکی که شبکه‌های الکترونیکی در حفظ، تحکیم و توسعه آنها دارند، مدنظر باشند. به‌طور خلاصه، استعاره «شبکه» امکان می‌دهد تا نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در ایجاد و گسترش «سرمایه اجتماعی» مورد بررسی قرار گیرد.

این که دگرگونی‌های عمیق دهه‌های پایانی قرن بیستم محصول چه فرآیندهای نظری و تحولات ساختاری است و چگونه در این میان جهان به سوی گفت‌وگو رفته است، اساساً موضوع مشترک پژوهش‌های متفاوت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. نمی‌توان از نسبت میان «عصر ارتباطات» و «عصر گفت‌وگو»، پیوند میان «جامعه شبکه‌ای» و «جامعه گرای» و نیز رابطه میان «انقلاب اطلاعات» و پیدایش «تمدن اطلاعاتی» به سادگی گذشت. «کاهش فاصله‌ها» در همه سطوح احتمالاً مهم‌ترین نیروی شکل‌دهنده به این برش تاریخی از جهان بوده است و در قلب انقلاب اطلاعات چیزی نهفته است که در اساس به نفع بشریت است: «انتشار جهانی دانش و اطلاعات» که روزی اختصاص به عده محدودی داشته است، در گستره نامحدودی، بسیاری از مردم را به‌طور سریع و ارزان فرا خواهد گرفت. نتیجه این که در این چشم‌انداز افکار و ایده‌های نو می‌توانند سریع‌تر انتشار یابند و از مرزها عبور کنند. کشورهای فقیر امکان دسترسی فوری به اطلاعات را می‌یابند و توانی که زمانی تنها به دنیای صنعتی اختصاص داشت بالقوه در اختیار جوامع دیگر نیز قرار می‌گیرد، البته پرسش مهمی که از متن این دگرگونی پرشتاب برمی‌آید، این است که آیا می‌توان این فرصت‌های جدید جهانی را به واقع نیز همگانی کرد؟ «جهانی شدن فرصت‌های بزرگی پدید می‌آورد، اما در حال حاضر منفعت‌های آن بسیار ناموزون توزیع می‌شود ولی هزینه‌های آن را همه می‌پردازند، بنابراین چالش اصلی ما امروزه این است که کاری کنیم که جهانی شدن به نیرویی مثبت برای همه مردم جهان تبدیل شود». (عنان، ۱۳۸۰: ۱۱)، لازمه این کار شناخت درست وضع موجود و افق‌های پیش‌روست.



■ مطالعه زمینه‌های پیدایش
«شبکه‌های جامعه‌ای»، این امکان را
فراهم می‌سازد که چگونگی تعامل
عمیق و رواج وسیع فناوری‌های
اطلاعاتی و ارتباطی در درون
جامعه‌ها و میان جامعه‌ها کشف
شود، اعم از آن‌که این جامعه‌ها
جغرافیایی و یا دارای گرایش‌ها و
منافع مشترک باشند.

۱- پیدایش جامعه شبکه‌ای:

انقلابی که در فناوری اطلاعات از دهه ۱۹۷۰ در آمریکا پا گرفت، پارادایم تازه‌ای را به دنبال داشت، که به سرعت بر همه عرصه‌های نظری سایه انداخت. ایجاد نخستین شبکه‌های اطلاع‌رسانی در کالیفرنیا سرانجام به تکوین جامعه شبکه‌ای در جهان انجامیده که از خصوصیات مهم آن فعال شدن جنبش‌هایی بوده است که هویت‌های حذف شده یا به حاشیه رانده شده‌ای را می‌جویند. در این فرایند کالاهای فرهنگی به جای کالاهای مادی اهمیت یافته و دفاع از منزلت انسانی و کنش فرهنگی در برابر منطق بوروکراسی و بازار حتی تا حدودی به جای مبارزه‌های طبقاتی نشسته است. بدین ترتیب انقلابی به مراتب مؤثرتر از انقلاب صنعتی قرن هیجده شکل گرفته و بر اقتصاد، جامعه و فرهنگ عمیقاً تأثیر نهاده است. «ویژگی بارز انقلاب تکنولوژیک کنونی، نه محوریت دانش و اطلاعات بلکه کاربرد این دانش و اطلاعات و انتقال آنها در یک چرخه بازخورد فراینده میان نوآوری و کاربردهای نوآوری است.» (کاستلز، ۱۳۸۰) پارادایم جدید ویژگی‌هایی دارد؛ نخست این که ماده خام آن اطلاعات است، دوم این که همه فرایندهای حیات فردی و

جمعی را فرا می‌گیرد، سوم این که معطوف به سیستم‌ها یا مجموعه‌های روابط شبکه‌ساز است که ریخت‌شناسی آن توأم با پیچیدگی فراینده تعامل و اندرکنش است، چهارم این که انعطاف‌پذیری دارد و فرایندهای آن نه تنها برگشت‌پذیر هستند بلکه سازمان‌ها و نهادها را نیز به اتکای آنها می‌توان با آرایش مجدد اجزای آنها اصلاح کرد و حتی به‌طور اساسی تغییر داد، پنجم این که فناوری‌های خاص در درون یک سیستم بسیار منسجم همگرایی دارند. (کاستلز، ۱۳۸۰)

جامعه شبکه‌ای با تحول بزرگی در عرصه ارتباطات نیز همراه بوده است. ارتباطات (مکتوب، شفاهی، دیداری، شنیداری) در جامعه شبکه‌ای با هم و به صورت یکپارچه عمل می‌کنند. در شاهره‌های اطلاعاتی یکپارچگی بالقوه متن، تصویر و صدا در یک سیستم، از چندین نقطه و در زمان دلخواه. زمان واقعی یا با تأخیر. و در شبکه‌ای جهانی و آزاد و قابل دسترس با یکدیگر تعامل دارند و همین ویژگی سبب شده است که ماهیت ارتباطات دچار دگرگونی‌های بنیادین بشود.

در جامعه شبکه‌ای، مخاطبان و مصرف‌کنندگان اطلاعات صرفاً گیرندگان منفعل پیام نیستند بلکه کنشگرانی به حساب

می آیند که ارتباط متقابل برقرار می کنند. از این رو شاید رسانه های نوین را دیگر نتوان به مفهوم سنتی کلمه، رسانه های همگانی دانست که پیام های محدودی را برای انبوهی از مخاطبان متجانس پخش کنند. در واقع به دلیل تعدد پیام ها و منابع انتشار آنها، مخاطبان از قدرت انتخاب بیشتری برخوردار شده اند، به این سبب در فرایند جهانی شدن و در دهکده جهانی، می توان این واقعیت را نیز پذیرفت که هرکس می تواند کلبه هایی فراخور حال هر منطقه و محل داشته باشد. به عبارتی دیگر، جامعه شبکه ای خانه الکترونیکی و فردگرایی را تقویت کرده است، از محیط امن خانه، فرد با سراسر جهان ارتباط برقرار می کند.

«انقلاب دیجیتالی، تحولات بنیادینی را در زندگی اجتماعی و اقتصادی به وجود آورده است، آن هم با سرعتی نزدیک به سرعت نور (عنان، ۱۳۸۰، ص ۶۵). ۳۸ سال طول

کشید تا رادیو در دسترس ۵۰ میلیون نفر قرار گیرد، و ۱۳ سال برای تلویزیون، اما همین تعداد از انسان ها فقط ظرف چهار سال اینترنت را به خدمت گرفتند، اینترنت امروزه بیش از هر وسیله ارتباطی دیگری که بشر اختراع کرده است متقاضی دارد، اما از یاد نبریم که در حال حاضر فاصله دیجیتالی بزرگی در جهان به شمار می رود، در ایالات متحده آمریکا بیش از کل بقیه جهان کامپیوتر وجود دارد، تعداد تلفن در توکیو به اندازه کل آفریقا است. این شکاف دیجیتال را می توان و باید پر کرد.» (عنان، همان). سرمایه ای که در انقلاب دیجیتالی ارزش روزافزون پیدا می کند، «سرمایه فکری» است و محصول اصلی آن که «اطلاعات» است تفاوت های اساسی با کالاهای تمام شدنی دارد.

به طور کلی در جهان دیجیتالی همه کارکردهای سرمایه ای و عوامل مؤثر از بدترین تا بهترین، از نخبه ای ترین تا مردمی ترین گردهم آمده است. در ابرمتنی بزرگ، گذشته و حال و آینده به صورت بین اذهانی جلوه می کند و زمینه تعامل را فراهم می آورد، محیط فرهنگی نمادین یعنی فرهنگ مجازی واقعی شکل گرفته است که در آن واقعیت کاملاً در نمادها و مجازها غرق می شود.

۲- پیامدهای جامعه اطلاعاتی

تحولات تکنولوژیکی که سامان دهنده این عصر بوده اند، البته مانند هر تحول عظیم دیگر در عرصه فناوری و صنعت،

■ در حقیقت می توان استعاره «شبکه» را که زیربنای فناوری های «عصر اطلاعات» را تشکیل می دهد بسط داد تا همه سطوح زندگی اجتماعی و فرهنگی را در برگیرد و امکان بررسی ویژگی هایی را که قوام دهنده شبکه های اجتماعی هستند فراهم کند.

■ استعاره «شبکه» امکان می دهد تا نقش فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در ایجاد و گسترش «سرمایه اجتماعی» مورد بررسی قرار گیرد.

نویددهنده فصلی تازه از آزادی و گشودن امکان های حیاتی تازه رویاروی انسان عصر جدید است، اما با این همه، هر دوران الگوهای خاص خود را نیز در بازتولید و استمرار عدم برابری و فقدان فرصت مساوی برای همگان به همراه آورده است. تجربه زیست همه ما حاوی خاطره اندیشه هایی است که تحت عنوان «مارکسیسم» نابرابری غیرانسانی جامعه سرمایه داری را هدف گرفته بودند. قطع نظر از صدق و عدم صدق آن آموزه ها، جای هیچ تردیدی نیست که نابرابری گرانبار نظام سرمایه داری لیبرال از اواخر قرن ۱۹ به این سو، شرایط پذیرش جهانی آن آموزه ها را فراهم ساخته بودند.

پیدایش موقعیت های عینی و ذهنی جدید که اساساً امکان بقای «فضاهای بسته» و «بسته بودن فضاها» را تضعیف می کرد، چشم اندازهای گفت و گویی جدیدی را در عرصه های بین المللی و ملی می گشود. پدیده

«جامعه اطلاعاتی» برآمده از این موقعیت جدید است. به این ترتیب می توان گفت جامعه اطلاعاتی به به لحاظ ویژگی های متفاوت فناوری، اقتصادی، شغلی، مکانی و فرهنگی مورد ارزیابی مفهومی قرار گرفته است (ویستر، ۲۰۱۳: ۲۰). تفسیرهای تکنولوژیک آن که تا حدودی بر نزدیکی و همسویی ارتباطات راه دور و رایانه ای متمرکز است، نوعی جبرگرایی تکنولوژیک و ساده سازی فرایندهای تغییرات اجتماعی در مطمح نظر دارد. ظهور «اقتصاد اطلاعات»، «تغییرات شغلی» و «فشرده گی فضا و مکان و زمان» اساساً کمیت و کیفیت زندگی را در عصر ما دگرگون کرده اند.

از مهم ترین آثار پیدایش جامعه اطلاعاتی، شکل گیری نوع خاصی از دموکراسی است که دوره های پیش از آن مسبوق به سابقه ای چنین نیست. این دموکراسی که اکنون اصطلاحاً «دموکراسی دیجیتالی» نام گرفته است در حیطه تأثیرگذاری شبکه ای انواع دیگر دموکراسی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مجموعه گسترده ای از اندیشه های جدید بر این باور هستند که تحولات اخیر در فناوری های اطلاعات و ارتباطات از این توانش برخوردار است که راه جهش های عظیم را در عرصه سیاست دموکراتیک هموار کند.

در حال حاضر مفهوم دموکراسی دیجیتالی می تواند به طیف نسبتاً وسیعی از کاربردهای فناورانه و از جمله «پارلمان های مردمی» تلویزیونی، و یا «هیأت های منصفه شهروندان» اطلاق

شود که از طریق پست الکترونی به گروه‌های مباحثه الکترونیکی و باجه‌های اطلاعات دسترسی دارند.

در اینجا مسأله نخست این است که یک «دموکراسی نیرومند» Strong Democracy که بر استفاده گسترده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مبتنی است احتمالاً چه شکلی خواهد داشت. دموکراسی نیرومند تعریف جدیدی از دموکراسی است که بر تفاوت خود با نسبت به دموکراسی‌های لیبرال و نمایندگی تأکید دارد. دوم این که تأثیرات احتمالی وضعیت اقتصادی و سیاسی را بر آن «دموکراسی دیجیتال‌ای» که ما در عمل به آن دست می‌یابیم چیست. سوم این که تجارب جهانی در خصوص تأثیرهای کنونی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر شیوه عمل دموکراتیک، فارغ از ادعاها و بیم و امیدهای رایج چه بوده است. چهارم این که چه موانعی بر سر راه تحقق «دموکراسی دیجیتال» وجود داشته و دارد؟

برای پاسخگویی به این پرسش‌ها مناسب است که ویژگی‌های اساسی رسانه‌های دوطرفه که برای توسعه نوع تازه‌ای از دموکراسی توانایی دارند، مورد اشاره قرار گیرد:

دوطرفه بودن؛ کاربران می‌توانند با انبوه کاربران دیگر بر اساس دوطرفه بودن ارتباط‌ها تماس و ارتباط برقرار کنند.

شبکه جهانی؛ مرزهای دولت، ملت‌ها مانعی بر سر راه ارتباطات برقرار نمی‌کند.

آزادی بیان؛ کاربران شبکه می‌توانند عقایدشان را ابراز کنند و در این مورد سانسور دولتی محدود شده است.

آزادی ایجاد انجمن‌ها؛ کاربران شبکه می‌توانند به جامعه‌ها و تشکیلات مجازی‌ای که منافع مشترکی را پی‌گیری می‌کنند بپیوندند.

تولید و انتشار اطلاعات؛ کاربران شبکه‌ها می‌توانند اطلاعات تولید کنند و در اطلاعات سهیم شوند. این اطلاعات مشمول بررسی و یا تأیید و تصدیق رسمی نیستند.

به چالش کشیدن دستاوردهای حرفه‌ای و رسمی؛ اطلاعات دولتی و حرفه‌ای را می‌توان به چالش کشید.

تضعیف نقش هویت دولت، ملت‌ها؛ کاربران می‌توانند هویت‌های جهانی و محلی اختیار کنند.

از آنجا که دموکراسی فقط رأی دادن و یا تدارک اطلاعات

■ **نمی‌توان از نسبت میان «عصر ارتباطات» و «عصر گفت‌وگو»، پیوند میان «جامعه شبکه‌ای» و «جامعه‌گرایی» و نیز رابطه میان «انقلاب اطلاعات» و پیدایش «تمدن اطلاعاتی» به سادگی گذشت.**

■ **«انتشار جهانی دانش و اطلاعات» که روزی اختصاص به عده محدودی داشته است، در گستره‌ای نامحدود، بسیاری از مردم را به‌طور سریع و ارزان فرا خواهد گرفت.**

عمومی بهتر برای شهروندان نیست، لذا همه‌پرسی‌های الکترونیکی و باجه‌های اطلاعات عمومی نیز شرط کافی برای تأیید موجودیت دموکراسی دیجیتالی نیستند. حق تعیین سرنوشت، مشارکت، خودمختاری، و اظهارنظر است که هسته اصلی دموکراسی را می‌سازند. از این رو دموکراسی یک فرهنگ سیاسی است که طیف بسیار وسیعی از ساحت‌ها را برای «خودافزایی» و بیان جمعی متقابل، شامل می‌شود.

بسیار از آن که شکل پیشرفته‌ای از دموکراسی دیجیتالی پدیدار شود، می‌توان آن را به صورت قالبی در نظر گرفت که خود جمع‌کننده میان عناصر اساسی نهفته در صورت‌بندی‌های دموکراسی مشارکتی و صورت‌بندی‌های دموکراسی نمایندگی است. مفهوم «خودمختاری دموکراتیک» در بسط دادن این نوع استدلال، کارساز است.

در این صورت «دموکراسی نیرومند» باید برای مشارکت شهروندان در همه تصمیم‌های مرتبط با مسائلی که بر آنان تأثیر گذارند، فرصتی فراهم کند. این فرصت مبتنی بر وضعیتی است که در آن دموکراسی به عنوان پدیده‌ای دوسویه دوباره طرح‌ریزی شود، پدیده‌ای که در یک طرف به شکل دهی دوباره قدرت دولت، به مفهوم عام آن مربوط می‌شود و از طرف دیگر دغدغه بازسازی جامعه مدنی را دارد.

در جامعه شبکه‌ای می‌توان از امکان تحقق این نوع دموکراسی دیجیتالی سخن گفت، بی‌آن‌که با شیفتگی از موانع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن در جهان کنونی غفلت کرد. پارادایم «گفت‌وگوی تمدن‌ها» که اساس آن «دیالوگ» و گفت‌وگو است، چارچوب مناسبی برای یافتن نسبت میان «دموکراسی نیرومند» و «دموکراسی دیجیتالی» است.

۳- گفت‌وگوی تمدن‌ها و چشم‌اندازهای دموکراتیک:

با مفروض دانستن همبستگی مثبت میان ساختار گفتارهای بین‌المللی و تحولات در تکنولوژی‌های ارتباطی می‌توان گفت تحول در فناوری‌های ارتباطی موجب شده است که هم گفت‌وگو در کانون گفتمان بین‌المللی قرار گیرد و هم زبان بین‌المللی در جهت تکثر و پذیرش ضرورت گفت‌وگو میان هویت‌های متکثر در عرصه جهانی گشوده‌تر شود.

بررسی تحول ساختارهای گفتگومانی در سطح بین‌المللی مبین

آن است که گفت وگو به حسب دو ضرورت بنیادین در این عرصه موضوعیت یافته است: نخست بر حسب الگویی که اجماع نظر میان طرف‌های برابر را برای تحقق صلحی جهانی ضروری فرض می‌کند و لازمه آن را تحقق گفت‌وگویی می‌داند که محور آن باور به طرف‌های ذی‌نفع، معطوف به تأمین منافع ملی و در جست‌وجوی صلح است. این الگو بیشتر با مقولات نظری لیبرالی سامان می‌یابد. الگوی دوم الگویی است که مقوله گفت‌وگو را در عرصه بین‌المللی و حتی ملی عنصر ضروری یک محیط زیست جهانی می‌انگارد و بر این باور است که در شرایط تضعیف نقش دولت ملت‌ها ضرورت استقرار یک زبان بین‌المللی، ساماندهی به یک نظام اخلاق بین‌المللی، ترجیحات متکی بر منافع عموم بشری و غیره همه طرف‌ها را به گفت‌وگو برمی‌انگیزد.

تحول در عرصه گفت‌وگوی بین‌المللی عملاً تمایل به الگوی دوم را برمی‌انگیزد که براساس آن موقعیت و معنای گفت‌وگوی تمدن‌ها بسیار فراتر از الگوی لیبرالی دیده می‌شود. بر مبنای الگوی دوم

جریان گفت‌وگوی تمدن‌ها به سوی ساماندهی به یک زبان بین‌المللی پیش می‌رود که به تدریج حتی به صورت زبان هنجارآفرین در عرصه ملی نیز در می‌آید. این زبان نیز همانند هر زبان مشترک دیگری در عرصه جهانی منجر به استقرار الگویی از برابری و نابرابری خواهد شد. بسته به میزان و نحوه مشارکت حوزه‌های مختلف فرهنگی در ساماندهی به این زبان در ساختار این زبان بین‌المللی موقعیت کانونی و یا در حاشیه او تعیین خواهد شد.

تحول در زبان ارتباط بین‌المللی نشانگر کاسته شدن از نقش و جایگاه دولت‌ها نیز هست. به عبارتی بازیگر فعال در عرصه گفت‌وگوی بین‌المللی به تدریج از واحد دولت به واحدهای کوچک‌تر انتقال می‌یابد و به این معنا تصور یک سخنگو برای وارد شدن در عرصه گفت‌وگو ضروری است جای خود را به سخنگویان متکثر و نمایندگان عرصه‌های متنوع یک فرهنگ و تمدن بسپارد. گفت‌وگو در عرصه جهانی بر نقش محوری عنصر آموزش متکی است. به این اعتبار می‌توان عنصر آموزش را به مثابه یک رهیافت ملی و جهانی مورد توجه ویژه قرار داد و در همین جاست که می‌توان به طور خاص مقوله «جامعه اطلاعاتی»

■ **ویژگی بارز انقلاب تکنولوژیک کنونی، نه محوریت دانش و اطلاعات بلکه کاربرد این دانش و اطلاعات و انتقال آنها در یک چرخه بازخورد فزاینده میان نوآوری و کاربردهای نوآوری است.**

■ **در جامعه شبکه‌ای، مخاطبان و مصرف‌کنندگان اطلاعات صرفاً گیرندگان منفعل پیام نیستند بلکه کنشگرانی به حساب می‌آیند که ارتباط متقابل برقرار می‌کنند.**

و «دموکراسی دیجیتالی» و میزان نیرومندی آن را مورد مطالعه قرار داد.

تحولات گفتاری نوین بر انتقال مفهوم حقیقت از امری عینی و بیرونی به امری بین‌ذهانی و حادث شده در فرآیند گفت‌وگو دلالت دارد. به بیان دیگر، شرایط گفتاری جدیدی که به وجود آمده است، حاکی از آن است که مفهوم صدق بیش از آن که مبتنی بر عینیتی بیرونی باشد (عین‌گرایی) و یا در حد یک ذهنیت منفصل از عین و دیگران تعریف شود، (ذهن‌گرایی) اکنون همچون امری بین‌ذهنی و گفت‌وگویی قلمداد می‌شود. به این ترتیب دیگر همراه و همزمان با تحول در نظام بین‌المللی، ارتباطات و تحولات فنی، ساختار گفتار بین‌المللی و حتی ملی نیز از صورت ساختار تک‌ذهنی و متصلب پیشین خارج شده و به سوی ساختار چندذهنی، متکثر و منعطف در حال تحول می‌باشد و این چشم‌انداز با مفهوم جامعه شبکه‌ای و صورت‌بندی‌های جدیدی که در قالب «دموکراسی دیجیتال» به وجود می‌آید سازگار است.

۴- **دموکراسی دیجیتال: پیشبرد گفت‌وگو**
امکان یا اتباع دیجیتالی شدن دموکراسی موضوع مطالعات جدید و گسترده‌ای در سطح جهان بوده است. عمده‌ترین پژوهش‌ها هنوز بر اتفاق نظری در این باب مبتنی نیستند. برخی مانند خانم آنا مالینا Ana Malina که به بررسی مشکلات کلیدی دموکراسی و حوزه عمومی پرداخته، نهایتاً به این نتیجه رسیده است که: در چشم‌انداز «دموکراتیزاسیون الکترونیکی» مبتنی بر آن است که باید بینیم آیا اطلاعات به عنوان یک «کالای اجتماعی» به آسانی در دسترس عموم قرار می‌گیرد و یا به عنوان «محصول مصرفی» پرهزینه فروخته می‌شود. مالینا نهایتاً معتقد است که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی فقط در صورتی به آرمان دموکراتیزاسیون مدد می‌رسانند که اراده‌ای مقدم برای «دموکراسی نیرومند» وجود داشته باشد.

بعضی محققان مانند ریچارد مور دیدگاهی را مورد تردید قرار می‌دهد که براساس آن اراده‌ای فراگیر برای تحقق یک «دموکراسی نیرومند» در فضای شبکه‌ای آینده وجود دارد. او با این استدلال که تاریخ دموکراسی در واقع تاریخ مبارزه «نوسانی» میان شهروندان در کل و منافع اقتصادی نخبگان بوده است مدعی



است که شمار کوچکی از شرکت‌های فراملی که برخوردار از ادغام عمومی هستند بر فضای شبکه‌ای تسلط دارند. این شرکت‌ها آن فضا را در درجه اول یک سیستم توزیع محصول و ابزاری برای کنترل افکار قلمداد می‌کنند و با زوال قدرت دولت به ملت‌ها که در فرآیند جهانی شدن تحقق می‌یابد، کفه ترازوی قدرت به نفع نخبگان اقتصادی سنگین‌تر خواهد شد. در چنین وضعیتی فضای شبکه‌ای ممکن است نه تنها به تحقق رویای مردم‌سالاری مدد نرساند بلکه به جای آن ما را با کابوس «برادر بزرگ‌تر» و قیومیت او روبه‌رو کند. توصیه مورد در خصوص اقداماتی که می‌توان برای تعدیل کردن چنین سناریویی انجام داد بر «لزوم کوشندگی سیاسی مردمی» متکی است یعنی او به بازسازی در «سرمایه اجتماعی» معتقد است.

الیزابت ریچارد Elizabeth Richard مدیر پایگاه اینترنتی Site Primary Internet دولت

شهروندان به نمایش می‌گذارد.

از نظر لنک دستیابی به دموکراسی محلی با مشکل سازمانی روبروست و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی قبل از هر چیز «فناوری‌های سازمان» هستند. آنها به علت کاربردی که در بحث پیرامون ساختار دارند ارزشمند هستند. او بر این نظر است که بازار مجازی تعدیل نشده «شبکه‌های آزاد» فقط می‌تواند سهم محدودی از گفتمان دموکراتیک را ادا کند. در جایی که پای شمار بزرگی از مردم در میان است و در جایی که موضوعات و مسائل پیچیده‌ای مطرح می‌شوند و سیاست‌ها همپوشی دارند، لازم است برای ایجاد روش‌های کاری مناسب و کافی به منظور شکل‌دهی به فرآیندهای تصمیم‌سازی مشارکتی به صورتی جدی دست به کار شد.

نسبت میان دموکراسی و دیجیتالی جامعه مدنی نیز اکنون از جمله مباحث مطرح جهانی است. گزارش پل نیکسون و هانس جوهانسون Hans Johanson and Paul Nixon در خصوص استفاده احزاب سیاسی از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در کشورهای سوئد و هلند سطوحی از این مسأله را روشن می‌کند. آنان تأثیرات واقعی و بالقوه استفاده فزاینده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را بر سازمان و انضباط حزبی، رویه‌های رای‌دهی و چشم‌انداز توسعه یک دموکراسی گفتمانی‌تر مورد بررسی قرار داده‌اند. نیکلسون و جوهانسون معتقد هستند که در احزابی که آنها مطالعه

کانادا به موضوعاتی که در زمینه تلاش برای بهره‌برداری از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که با هدف تمشیت بهتر امور پرداخته است. او استدلال می‌کند که در حال حاضر چارچوب روشنی برای سازگار کردن ساختارهای خدمت عمومی و سلسله مراتب سنتی با محیط‌های تازه ارتباطی که «عصر اطلاعات» را می‌سازند، عملاً وجود ندارد. در میان موضوعاتی که او در این زمینه مطرح می‌کند این مسائل اهمیت بیشتری دارند:

لزوم ایجاد و توسعه شیوه‌هایی برای «گوش دادن جمعی» به منظور تکمیل ابزار «صحبت جمعی» که ویژگی اصلی فناوری‌های اینترنت محور است،

● لزوم بررسی این نکته که چگونه، چه موقع و از طریق چه کسی باید تعادل در گفت‌وگوی میان شهروندان و دولت به وجود آید؛

● لزوم تهیه و توسعه الگوهای تصمیم‌سازی که مفهوم‌سازی «شهروند به مثابه شریک» را بازتاب دهد.

کلاوس لنک Klaus Lenk در تحقیقی دیگر مرکز اصلی توجه را در زمینه دموکراسی دیجیتالی از دولت ملی به دولت محلی منتقل می‌کند. او با ارائه خلاصه‌ای از سیستم‌های اطلاعات فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی محور که هدف آنها بالابردن کیفیت مشارکت شهروند در برنامه‌ریزی محلی است، توانایی فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را برای تسهیل تبادل نظرهای

کرده‌اند مناقشه‌ای مستمر میان «کنترل از مرکز» و «خودمختاری محلی» به چشم می‌خورد در حقیقت اگرچه عصر اطلاعات فرصت‌هایی برای دموکراسی محلی ایجاد می‌کند اما گرایش‌های تمرکزپایانه که در ساختارهای حزبی وجود دارد. این فرصت‌ها را غالباً در حاشیه قرار می‌دهد. این دو محقق همچنین تأکید می‌کنند که احزاب سیاسی در صورتی که بخواهند در عصر اطلاعات همچنان موضوعیت خود را حفظ کنند باید بینش سلسله مراتبی خویش را اصلاح کنند. آنان مینا را بر این فرض قرار می‌دهند که اهمیت روبه کاهش نقش دولت. ملت. همراه با جهانی شدن جریان اطلاعات که فناوری «اینترنت. گونه» آن را تسهیل می‌کند، می‌تواند نشانه ظهور نمایندگی سیاسی جدید تمدنی آن هم در مقیاسی بسیار فراتر از تشریک مساعی داوطلبانه و موردی‌ای باشد که تا به امروز شاهد آن بوده‌ایم.

جایگاه طیفی از محاوره‌های همپوشاننده یکدیگر و زودگذر می‌باشند که معمولاً میان افراد همفکر انجام می‌شود. از آنجایی که تبادل نظر پایدار میان این گروه‌های خبری بندرت صورت می‌گیرد، ویلهلم آنها را محکی مناسب برای تشریح و بیان موضوعات و مشکلاتی که دولت باید به آنها بپردازد، نمی‌داند. اسکات ایکنر برداشت مثبتی از توانایی فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای ایجاد سازوکارهای رایزنی جدید ارائه می‌کند. او استدلال خود را بر پایه‌ی مناظره میان دیویی و والتر لیپمن درباره توسعه و تحول رسانه‌های جمعی آمریکایی استوار می‌سازد و بر مبنای سه تجربه «دموکراسی دیجیتال» که خود در آنها درگیر بوده است دلایلی ارائه می‌کند. او مدعی است که این تجربه‌ها را می‌توان سیستم‌های دیوئیایی توصیف کرد که هدف آنها مقابله با گرایش‌های خطرناک سیاست رسانه‌ای مدرن است. این تجربه‌ها از سیاست تازه آزادی فردی در درون جامعه‌های منسجم حمایت می‌کنند. از نظر او بخشی از توانایی فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای ارتقای نتایج دموکراتیک در این نکته نهفته است که آنها مداخله‌های چندگانه به سوی «هوش اجتماعی شده» را تسهیل می‌کنند. به طوری که دولت از طریق کارشناسان، می‌تواند «منطق جامعه» را در دست خود بگیرد. اینکنر همچنین متذکر می‌شود که برای تحقق این توانایی ضروری است که جوامع محلی اساس و شالوده تجربه‌ها در دموکراسی دیجیتالی قرار

■ از آنجا که دموکراسی فقط رای دادن و یا تدارک اطلاعات عمومی بهتر برای شهروندان نیست، لذا همه پرس‌های الکترونیکی و باجه‌های اطلاعات عمومی نیز شرط کافی برای تأیید موجودیت دموکراسی دیجیتالی نیستند.

■ تحولات گفتاری نوین بر انتقال مفهوم حقیقت از امری عینی و بیرونی به امری بین ادله‌ای و حادث شده در فرآیند گفت‌وگو دلالت دارد.

گیرند چرا که این جوامع است که باید «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد سیاسی» را مجدداً برقرار کند.

تره ول لاک Trevol Locke در پژوهشی که به توصیف روند توسعه شبکه‌های جامعه‌ای و میزان استفاده از آنها برای فائق آمدن بر برخی از موانع موجود بر سر راه استفاده دموکراتیک شهروندان از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی پرداخته است، بر سطح محلی در استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به منظور رواج «دموکراسی نیرومند» تأکید می‌کند. او مفهوم «فعال شبکه‌ای» Net Activism را ارائه می‌دهد که این مفهوم به معنای استفاده شهروندان، جامعه‌های جغرافیایی و جامعه‌های دارای منافع مشترک از اینترنت برای سازمان‌دهی کنش‌های سیاسی و درگیر شدن در آنهاست. او درباره توانایی مردم برای شخصی کردن اینترنت خوشبین است. هر چند لاک اظهار

می‌دارد که تلویزیون دیجیتالی خیلی زود جای اینترنت را به عنوان زیرساخت ارائه اطلاعات خواهد گرفت. در واقع او این باور را بیان می‌کند که دوسویگی و اتصال به شبکه در میان مخاطبان عمومی دستگاه گیرنده تلویزیونی، جان و نیروی تازه‌ای خواهد گرفت.

در پژوهشی دیگر شارون دکتر و بیل دوتون Sharon Doctor and Bill Dutton شکل‌گیری اجتماعی «شبکه دموکراسی» (D-NET) را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند که اساس آن تحلیل تجربه‌های دموکراسی دیجیتال به اعتبار درکی از تعامل دیالکتیکی میان فناوری و جامعه است. (D-NET) یک راهنمای رای‌دهنده الکترونیکی و نوآورانه برای رای‌دهندگان است که متناسب با نیاز رای‌دهندگان آمریکایی تهیه شده است. دکتر و دوتون نشان می‌دهند که چگونه طرح فراگیر آن را ارزش‌های دموکراتیک به طور عام و دلمشغولی‌ها در خصوص آزادی بیان به طور خاص، شکل داده‌اند. آنان با این تحقیق توضیح می‌دهند که در این فرآیند پارادایم‌های فناورانه، نگرانی در خصوص سیاست‌های عمومی، و مسائل قضایی در کنار یکدیگر قرار دارند. از باب نمونه تصمیم به عدم تعدیل عناصر مناظره دوسویه در شبکه به همان اندازه که به موضوع اجتناب از ارتکاب خلافکاری شبه جرم مربوط می‌شود به ارزش دموکراتیک گفتمان تعدیل نشده هم ارتباط دارد. این مقوله نمونه‌ای بارز از توانش بهره‌گیری از فناوری‌های

ارتباطی و اطلاعاتی در پیگیری دموکراسی نیرومند است.

۵- امکانات و محدودیت‌های جامعه اطلاعاتی

بی‌شک عصر اطلاعاتی شدن جامعه و به حاکمیت رسیدن رسانه‌ها حامل امکانات تازه‌ای برای زیست انسانی تر در سطح جهانی هست. اما نباید فراموش کرد که الگوهای تازه‌ای از نابرابری در پرتو این تحولات تازه بازسازی و بازآفرینی می‌شود که به مراتب دهشت‌بارتر از صور اقتصادی جامعه سرمایه‌داری است. نمی‌توان تردید داشت که دوران حاکمیت رسانه‌ها به هیچ روی به معنای امکان بهره‌مندی برابر از امکانات رسانه‌ای نیست. مدیریت رسانه‌ها بالطبع به حسب شکاف جهانی قدرت و ثروت به نحوی نابرابر رسانه‌ها را در خدمت قدرت‌های بزرگ جهانی قرار داده است.

استیلاي قدرت جهانی بر رسانه‌ها و ناتوانی دیگر کشورهای در ساماندهی به توزیع اطلاعات رسانه‌ای، در کنار سایر صور نابرابری در سطح جهانی وضعیتی تازه از بازتولید شکاف جهانی را پیش چشم جهانیان گشوده است.

۱-۵- مهم‌ترین ممیزه حاکمیت رسانه‌ها که قابلیت‌های تأمل برانگیزی به این دوران بخشیده است، پدیده‌ای است که فیلسوفان امروز تحت‌عنوان وجه مجازی یافتن واقعیت از آن یاد می‌کنند. صورت مجازی یافتن واقعیت‌های انسانی به معنای بیرون بردن واقعیت‌ها از ساحت تجربه ملموس و زنده انسانی و خلق تصاویر و انگاره‌های تخیلی محض است. نظام قدرت جهانی با بهره‌گیری از این وجه مجازی، فاصله‌ای غیراخلاقی میان وجدان انسانی در سطح جهانی و اعمال خشونت‌بار سلطه در عرصه جهانی ساخته است. طی یک دو دهه اخیر فجایع شگفتی در عرصه جهانی اتفاق افتاده‌اند و به مدد تصویرهای رسانه‌ای مجازی، به سرعت فراموش شده‌اند. زنده‌ترین مصداق این رخدادها، فجایعی است که اینک ملت فلسطین متحمل آنهاست. شاید بتوان گفت رسانه‌ها در عصر جدید قادر به غلبه بر وجدان‌های زنده انسانی‌اند. گویی رسانه‌ها فرصت‌های تازه برای بسط قدرت در سطح جهانی آفریده‌اند. در چنین شرایطی است که انتظار می‌رود مطابق با آنچه در پی انقلاب صنعتی ظاهر شد، عصر حاکمیت رسانه‌ها نیز الگوی اعتراض متناسب با خود را

■ به‌طور کلی در جهان دیجیتال همه کارکردهای سرمایه‌ای و عوامل مؤثر از بدترین تا بهترین، از نخبه‌ای‌ترین تا مردمی‌ترین گردهم آمده است.

■ مهم‌ترین ممیزه حاکمیت رسانه‌ها که قابلیت‌های تأمل برانگیزی به این دوران بخشیده است، پدیده‌ای است که فیلسوفان امروز تحت‌عنوان وجه مجازی یافتن واقعیت از آن یاد می‌کنند.

در دریدن صور مجازی واقعیت و گشودن امکان ارتباطات انسانی تر بگشاید.

۲-۵- همان‌طور که در عرصه داخلی و ملی، دموکراسی منوط به محدود کردن عرصه مداخله مراجع سیاسی، پاسخگو کردن مراجع قدرت، و بسط حوزه مداخله و عمل جامعه مدنی است، در سطح بین‌المللی نیز، مدیریت توزیع اطلاعات باید بر بنیادهایی مستقل از منابع و مراجع قدرت سیاسی و براساس الگوهای انسانی و اخلاقی استوار گردد. ایفای نقش مؤثر مراجع بین‌المللی، گسترش نهادهای مستقل از دولت‌ها در زمینه تولید و نشر اطلاعات، ایفای نقش مراجع و اتحادیه‌های منطقه‌ای از جمله مواردی است که می‌تواند در التیام این وضعیت مددکار باشد.

۳-۵- نظام بین‌المللی نیازمند گشودن باب گفت‌وگوی تازه‌ای در خصوص اخلاق در مناسبات جهانی است، پایان یافتن دوران جنگ سرد که دوران چالش‌های ایدئولوژیک در سطح جهانی بود امروزه به دورانی تحویل می‌شود که وجه ممیز آن استیلاي منطق قدرت است. مجازی‌سازی واقعیت، بیش از آن که چهره اصلی از «خویشتن» یا «دیگری» ارائه نماید، به خلق تصاویری تخیلی بی‌ارتباط با شرایط واقعی انسانی می‌پردازد و از این راه به استیلاي منطق قدرت مدد می‌رساند. ضروری است باب گفت‌وگویی تازه در خصوص اخلاق رسانه‌ای در سطح جهانی و ساماندهی به اذهان عمومی گشوده شود. این گفت‌وگو باید بتواند هنجارهای عمومی بشری در این زمینه را تبیین کند و قدرت در عصر جهانی را به آن هنجارها منقاد نماید. در این زمینه سازمان‌هایی مانند یونسکو که از یکی دو دهه پیش تلاش برای نظم‌نویس اطلاعات و ارتباطات را مطرح و مطمع نظر قرار داده‌اند وظیفه سنگینی به عهده دارند.

۴-۵- عصر استیلاي رسانه‌ها، و نابرابری در مدیریت آن، کلمات و معانی آنها را به یکی از اهرم‌های بنیادی موازنه قوا در سطح بین‌المللی بدل کرده است. در پی فاجعه یازدهم سپتامبر، ایالات متحده آمریکا با تعریف واژه تروریسم و تعیین مصادیق آن برحسب منافع ملی این کشور، یا بخشی از آن، یک پروژه جهانی را در سطح جهانی ساماندهی می‌کند. در پرتو معنایی که اینک واژه تروریسم پیدا کرده است، مردم آواره فلسطینی مصادیق تام و تمام تروریست‌اند اما نظامیانی که با بی‌رحمی تمام شهرک‌های

غیرنظامی را مورد وحشیانه‌ترین هجوم‌ها قرار می‌دهند، مصادیق سربازان مدافع آزادی و مبارزه با تروریسم رقم می‌خورند. مدیریت سیاسی رسانه‌های جهانی، نه تنها کمکی به تعامل منطقی در سطح جهانی برای فهم و تعریف واژگان نکرده است بلکه در موارد متعدد مجاری طبیعی این گفت‌وگو را نیز مسدود می‌سازد.

۶- جامعه اطلاعاتی بومی؟

«جامعه اطلاعاتی» همچون بسیاری دیگر از مفاهیم دوران مدرن و پس از آن، مفهومی عالم‌گیر و جهانی است و مجال چندانی برای تأمل در باب مدل‌های بومی آن به دست نمی‌دهد. با این وجود، می‌توان با آگاهی کامل از ابعاد و پیامدهای این

صورت‌بندی جدید اجتماعی، برخی از وجوه مثبت آن را تقویت کرد و نسبت به وجوه احتمالاً مخرب آن هوشیار بود. مقایسه‌ای ابتدایی و اجمالی میان نگرش ملی ایرانیان به مفهوم «جامعه اطلاعاتی» با «جامعه مدرن (متجدد)» نشان می‌دهد که نسبت به «جامعه اطلاعاتی» خوشبینی‌های بیشتری وجود دارد و به رغم برخی مقاومت‌های گفتاری، مقاومت‌های سازمان یافته‌ای بر علیه آن رخ نداده است، و هیچ گروه یا سازمان اجتماعی برای مبارزه با آن شکل نگرفته است. بخشی از این نگرش، در اثر امکانات بی‌شماری است که جامعه اطلاعاتی و ابزارهای آن، از جمله اینترنت، برای همگان فراهم آورده است.

بیشتر نگرش‌های موجود با بازتولید دوگانه جهانی «کشورهای غنی اطلاعاتی» Information Rich Countries و «فقیر اطلاعاتی» Information Poor Countries ایران را در دسته دوم قرار می‌دهند و گاه خواستار تقسیم عادلانه ثروت اطلاعاتی میان تمدن‌ها و ملت‌ها می‌شوند و گاه به این «خطر» اشاره می‌کنند که «اشاعه و پردازش اطلاعات به میزان بالایی در کنترل عده قلیلی از کشورهای حاکم قرار گیرد و از دست دادن آزادی فکر و تصمیم‌گیری مستقل یک خطر جدی برای کشورهای دیگر جهان است» و خواهان ائتلاف کشورهای ضعیف اطلاعاتی برای مقابله می‌شوند. آنچه آشکار است این واقعیت است که نظام ارتباطات بین‌المللی، کشورهای توسعه یافته در موقعیت برتری قرار دارند و صدور اطلاعات آنها به مراتب بیش از واردات آنها می‌باشد (بهشتی، ۱۳۷۶)

پذیرش وحشیانه‌ترین استقبالی از صورت‌بندی

■ همان‌طور که در عرصه داخلی و ملی، دموکراسی منوط به محدود کردن عرصه مداخله مراجع سیاسی، پاسخگو کردن مراجع قدرت، و بسط حوزه مداخله و عمل جامعه مدنی است، در سطح بین‌المللی نیز، مدیریت توزیع اطلاعات باید بر بنیادهایی مستقل از منابع و مراجع قدرت سیاسی و براساس الگوهای انسانی و اخلاقی استوار گردد.

اطلاعات از سوی جامعه ایرانی، در مقایسه با مقاومت‌های نسبی‌ای که نسبت به دیگر مظاهر تجدد از سوی این جامعه صورت گرفته است به معنای پذیرش الزامات و پیامدهای این صورت‌بندی از جامعه از سوی ایرانیان می‌باشد؛ به ویژه اگر این پذیرش را در کنار مقاومت‌های ضدتکنولوژی به وجود آمده در غرب، در قالب جنبش نولودیت‌ها Neo-Ludites و غیره قرار دهیم. از بارزترین وجوه متمایز ایران که فرهنگ ایرانی، اسلامی را با «جامعه اطلاعاتی» هم‌نشین کرده است می‌توان به وجود روحیه زندگی جمعی و اجتماعی و

پرهیز از فردگرایی اشاره کرد. در فرهنگ ایرانی، اسلامی ایرانی، عقل مفهومی جمعی است که در «مشورت» با دیگران تکامل می‌یابد. اگرچه معمولاً در دوران جدید در برابر الگوهای لیبرال و فردگرایانه از علم و عقل، مقاومت‌هایی نیز بروز و ظهور داشته است، اما حال با ظهور صورت‌بندی‌های جدید از دانش و دانایی که بر الگوهای جمعی و مشارکتی بنا شده است، رویکرد مثبت تری وجود دارد.

این رویکرد مثبت را می‌توان در قالب مدل‌های بومی شبکه‌ای سامان داد، مدل‌هایی که بیش از آنچه «رسانه محور» باشد، «ارتباط محور» است و به مضمون «گفت‌وگوی فعال و دوطرفه» توجه دارد و اساس این گفت‌وگو بیشتر بر پیدا کردن راه‌هایی برای «شنیدن» بیشتر و بهتر و کاستن از پارازیت‌های فهمیدن است، نقیصه‌ای که اگر مرتفع شود می‌توان به «نیرومندی دموکراسی» از جمله دموکراسی دیجیتال نهایتاً امید داشت، چرا که:

آدمی فربه شود از راه گوش
جانور فربه شود از حلق و نوش

* این مقاله به سفارش همایش علمی ایران جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ ه. ش که آذرماه سال ۱۳۸۱ در تهران برگزار شد، تهیه شده و خلاصه آن نیز در همایش یاد شده ارائه گردیده است.